



شهید دکتر مصطفی چمران

روح الله فریسی آبادی

مسلمان به رهبری امام خمینی ره، دست به اقدامی جسورانه و سرنوشت ساز زد و همه پل های پشت سر خود را خراب و به همراه بعضی از دوستان مؤمن و همفکر، رهسپار مصر می شود و به مدت دو سال در زمان عبدالناصر، سخت ترین دوره های چریکی و جنگ های پارتیزانی را می آموزد و به عنوان بهترین شاگرد این دوره شناخته می شود و مسؤولیت تعلیم چریکی مبارزان ایرانی به عهده وی گذاشته می شود.

حضور در لبنان

به کمک امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان، حرکت محرومان و سپس جناح نظامی آن، سازمان «امل» را بر اساس اصول و مبانی اسلامی پی ریزی نموده که در میان توطئه ها و دشمنی های چپ و راست، با تکیه بر ایمان به خدا و با اسلحه شهادت، خط راستین اسلام انقلابی را پیاده می کند و علی گونه در معرکه های مرگ و حیات به آغوش گرداب خطر فرو می رود و در طوفان های سهمناک سرنوشت، حسین وار به استقبال شهادت می تازد و پرچم خونین تشیع را در برابر جبارترین ستمگران روزگار صهیونیزم اشغالگر به اهتزاز درمی آورد و از قلب بیروت سوخته و خراب تا قله های بلند کوه های جبل عامل و در مرزهای فلسطین اشغال شده، از خود قهرمانی ها به یادگار گذاشته که شرح این مبارزات افتخارآمیز با قلمی سرخ و به شهادت خون پاک شهدای لبنان، بر کف خیابان های داغ و بر دامنه کوه های مرزی اسرائیل تا ابد ثبت گردیده است.

نقش شهید پس از پیروزی انقلاب اسلامی

دکتر مصطفی چمران با پیروزی شکوهمند انقلاب پس از ۲۳ سال هجرت، به وطن باز می گردد. همه تجربیات انقلابی و علمی خود را در خدمت انقلاب می گذارد؛ خاموش و آرام ولی فعالانه و قاطعانه به سازندگی می پردازد. همه تلاش خود را صرف تربیت اولین گروه های پاسداران انقلاب در سعدآباد می کند. سپس، در شغل معاونت نخست وزیر در امور انقلاب شب و روز خود را به خطر می اندازد تا سریع تر و قاطعانه تر مسأله کردستان را فیصله دهد تا این که بالاخره، در قضیه فراموش نشدنی «پاوه» قدرت ایمان و اراده آهنین و شجاعت و فداکاری او بر همگان ثابت می گردد.

دکتر چمران پس از پیروزی بی نظیر در کردستان به تهران احضار شد و از سوی حضرت امام خمینی ره به وزارت دفاع منصوب گردید. در پست جدید، برای تغییر و تحول ارتش از یک نظام طاغوتی، به یک سلسله برنامه های وسیع بنیادی دست زد که پاک سازی ارتش و پیاده کردن برنامه های اصلاحی از جمله این کارها بود تا به یاری خدا و پشتیبانی ملت، ارتشی به وجود آید که پاسدار انقلاب و امنیت و استقلال کشور باشد و رسالت مقدس اسلامی ما را به سر منزل مقصود برساند.

وی در اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از سوی مردم تهران به نمایندگی انتخاب شد و تصمیم داشت در تدوین قوانین و نظام جدید انقلابی، به خصوص در ارتش حداکثر سعی و تلاش خود را بکند تا ساختار گذشته ارتش به نظامی انقلابی و شایسته ارتش اسلامی تبدیل شود. و سپس به

سخن دل

سخن گفتن از شهیدی با ابعاد گوناگون، از اسوه ای که جمع اعداد بود، از آهن و اشک، از شیر بیشه نبرد و عارف شب، از پدر یتیمان و دشمن سرسخت کافران بسیار سخت بلکه محال است.

سخن گفتن از شهید دکتر مصطفی چمران، این مرد عمل و نه مرد سخن، نمونه کامل هجرت، جهاد و شهادت، این شاگرد مکتب علی علیه السلام، مالک اشتر جنوب لبنان و حمزه کربلای خوزستان سخت و دشوار است. چرا که حتی نمی توان یکی از ابعاد وجودی او را، آن گونه که هست توصیف کرد و نیابست انتظار داشت که بتوان تصویر کاملی از او ترسیم نمود، که مردان و رهروان راه علی و حسین علیه السلام را با این کلمات مادی و معیارهای خاکی نمی توان توصیف کرد.

در این نوشتار کوشیده ایم که نگاهی گذرا و سریع، بر حیات کوتاه اما پرحادثه و سراسر تلاش، ایثار، عشق و فداکاری این عارف برجسته داشته باشیم.

فعالیت علمی شهید

مصطفی چمران در سال ۱۳۱۱ در تهران، خیابان پانزده خرداد، بازار آهنگرها، سرپولک چشم به جهان گشود. وی تحصیلات خود را در مدرسه انتصابیه، نزدیک پامنار، آغاز کرد و در دارالفنون و البرز دوران متوسطه را گذراند. در دانشکده فنی دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و در سال ۱۳۳۶ در رشته الکترومکانیک فارغ التحصیل شد و یک سال به تدریس در دانشکده فنی پرداخت.

وی در همه دوران تحصیل شاگرد اول بود. در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیل شاگردان ممتاز به آمریکا اعزام شد و پس از تحقیقات علمی در جمع معروف ترین دانشمندان جهان در کالیفرنیا و معتبرترین دانشگاه آمریکا - برکلی - با ممتازترین درجه علمی موفق به اخذ دکترای الکترونیک و فیزیک پلاسما گردید.

فعالیت اجتماعی شهید

از ۱۵ سالگی در درس تفسیر قرآن مرحوم آیه الله طالقانی، در مسجد هدایت و درس فلسفه و منطق استاد شهید مطهری و بعضی از استادان دیگر شرکت می کرد و از اولین اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران بود. در آمریکا با همکاری بعضی از دوستانش، برای اولین بار انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را پایه ریزی کرد و از مؤسسين انجمن دانشجویان ایرانی در کالیفرنیا و از فعالان انجمن دانشجویان ایرانی در آمریکا به شمار می رفت و به دلیل این فعالیت ها، بورس تحصیلی شاگرد ممتازی وی از سوی رژیم شاه قطع شد.

پس از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ و سرکوب ظاهری مبارزات مردم





اشراقی و شهید تیمسار فلاحی را ملاقات کرد. باری آخرین بار یکدیگر را بوسیدند و باز هم به حرکت ادامه داد تا به قربانگاه رسید. همه رزمندگان را در کانالی پشت دهلاویه جمع کرد و با صدایی محزون و گرفته از غم فقدان رستمی، ولی نگاهی عمیق و پر نور و چهره‌ای نورانی و دلی مالا مال از عشق به شهادت و شوق دیدار پروردگار گفت: **بخدا رستمی را دوست داشت و برد و اگر ما را دوست داشته باشد، می‌برد.** سخنش تمام شد و با همه رزمندگان خداحافظی و دیده‌بوسی کرد و در خط مقدم نزدیک‌ترین نقطه به دشمن پشت خاکریزی ایستاد و به رزمندگان تأکید کرد که از این منطقه که او هست، دیگر کسی جلوتر نرود، چون دشمن به خوبی با چشم غیرمسلح دیده می‌شود و مطمئناً دشمن هم آن‌ها را دیده بود. آتش خمپاره که از اولین ساعات بامداد شروع شده بود علاوه بر رستمی، قربانی‌های دیگری نیز گرفته بود. و دکتر چمران دستور داد رزمندگان به سرعت از کنارش متفرق شوند و از هم فاصله بگیرند. یارانش از او فاصله گرفتند و در گودالی مات و مبهوت در انتظار حادثه‌ای جانکاه بودند که خمپاره‌ها در اطراف او به زمین خورده و با اصابت یکی از خمپاره‌های صدامیان یکی از نمونه‌های کامل انسانی که مایه مباهات خداوند است، یکی از شاگردان متواضع علی‌علیه و حسین‌علیه، یکی از عارفان سالک راه حق و حقیقت و یکی از یاران باوقای خمینی کبیر در ۳۱ خردادماه سال ۶۰ از دیار ما رخت برپست و شربت شهادت نوشید.

● قسمتی از پیام حضرت امام خمینی (ره) مناسبت شهادت دکتر مصطفی چمران

«شهادت انسان‌ساز سردار پرافتخار اسلام و مجاهد بیدار و متعهد راه تعالی و پیوستن به ملاعلی دکتر مصطفی چمران را به پیشگاه ولی عصر - ارواحفاده - تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تسلیت از آن‌رو که ملت شهیدپرور ما سربازی را از دست داد که در جبهه‌های نبرد حق با باطل چه در لبنان و چه در ایران حماسه می‌آفرید سرلوحه مرام او اسلام عزیز و پیروزی حق بر باطل بود. او جنگ‌جویی پرهیزگار و معلمی متعهد بود که کشور اسلامی ما به او و امثال او احتیاج مبرم داشت. تبریک نیز از آن‌رو که اسلام بزرگ چنین فرزندانانی تقدیم ملت‌ها و توده‌های مستضعف می‌کند و سردارانی همچون او در دامن تربیت خود پرورش می‌دهد. مگر چنین نیست که زندگی عقیده و جهاد در راه آن است...»

● شهید چمران از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

«ما اگر از چمران تجلیل می‌کنیم، در واقع از اسلام و شیوه‌های اسلامی تجلیل می‌کنیم.»

■ در پایان به سخنی از این عارف و مجاهد نستوه بسنده می‌کنیم که می‌فرماید: **دبرای مرگ آماده شده‌ام و این امری است طبیعی که مدت‌هاست با آن آشنا هستم، ولی برای اولین بار، وصیت می‌کنم خوشحالم که در چنین راهی به شهادت می‌رسم، تو ای امام لحظه‌ای از حق منحرف نمی‌شوی و همچون کوه در مقابل طوفان حوادث آرام و مطمئن به سوی حقیقت قدم برمی‌داری و من افتخار می‌کنم و در راه پر افتخارت شربت شهادت می‌نوشم.**

نمایندگی از سوی رهبریکبیر انقلاب در شورای عالی دفاع منصوب شد و مأموریت یافت تا به طور مرتب گزارش کار ارتش را ارائه کند.

■ شهید و دفاع مقدس

پس از شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دوران حماسه‌ساز و پرتلاش دیگری را آغاز کرد که نمونه کامل ایثار، شجاعت و اخلاص بود. دکتر چمران پس از حمله عراق به ایران خدمت حضرت امام رسید و با اجازه ایشان به همراه مقام معظم رهبری، به اهواز رفت. از آنجایی که همیشه خود را در گرداب خطر می‌افکند و از مرگ هراسی نداشت، از همان بدو ورود دست به کار شد و شب بعد، اولین حمله چریکی را علیه تانک‌های دشمن، که تا چند کیلومتری شهر در حال سقوط اهواز پیش‌روی کرده بودند، آغاز کرد.

■ تشکیل ستاد جنگ‌های نامنظم

گروهی از رزمندگان داوطلب به گرد او پیوستند و او با تربیت و سازماندهی آنان، ستاد جنگ‌های نامنظم را در اهواز تشکیل داد. این گروه کم‌کم قوت گرفت و منسجم شد و خدمات زیادی انجام داد. ایجاد واحد مهندسی فعال برای ستاد جنگ‌های نامنظم یکی از این برنامه‌ها بود که به کمک آن، جاده‌های نظامی به سرعت در نقاط مختلف ساخته شد و با نصب پمپ‌های آب در کنار رود کارون و احداث یک کانال به طول حدود بیست کیلومتر و عرض یکصد متر در مدتی حدود یک‌ماه، آب کارون را به طرف تانک‌های دشمن روانه ساخت، به طوری که دشمن مجبور شد چند کیلومتر عقب‌نشینی کند و سدی عظیم مقابل خود بسازند و با این عمل ایشان، دشمن برای همیشه فکر تسخیر اهواز را از سر به دور کرد.

■ نحوه شهادت

در سرگراهِ سی‌ویکم خردادماه شصت، ایرج رستمی - فرمانده منطقه دهلاویه - به شهادت رسید و دکتر چمران به شدت از این حادثه افسرده و ناراحت بود. دکتر چمران، یکی دیگر از فرماندهانش را احضار کرد و خود او را به جبهه برد تا در دهلاویه به جای رستمی معرفی کند و در لحظه حرکت وی، یکی از رزمندگان با سادگی و زیبایی گفت: **همانند روز عاشورا، که یکایک یاران حسین (علیه السلام) به شهادت رسیدند، عباس علمدار او - رستمی - هم به شهادت رسید و اینک خود او همانند ظهر عاشورای حسین (علیه السلام) آماده حرکت به جبهه است.**

همه اطرافیان‌ش هنگام خروج از ستاد با او وداع می‌کردند و غمی مرموز و تلخ بر دلشان سنگینی می‌کرد. به سوی سوسنگرد به راه افتاد و در بین راه مرحوم آیه‌الله

